

نگرشی به وحدت و تقریب مذاهب در سیره و گفتار امام رضا(ع)

یاسر اسماعیل زاده امامقلی^۱، فهیمه شبان زاده^۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۱۳

چکیده

تقریب مذاهب و مقوله وحدت در دین مبین اسلام اهمیت به‌سزایی دارد و از همین رو در قرآن کریم و سیره معصومین(ع) از جمله امام رضا(ع) بر آن تأکید شده است. قراین و شواهد حاکی است که امام رضا(ع) در طول حیات مبارک خود به‌عنوان رهبری شایسته با بینشی برگرفته از قرآن کریم و سنت نبوی، در عرصه بیان، نظر و نیز در عمل بر تقریب مذاهب و وحدت اسلامی اهتمام ورزیده است. بنابراین فرضیه تحقیق عبارت است از این که در زندگی امام رضا(ع) مواردی نظیر محوریت قرآن کریم، بازگشت به سنت پیامبر(ص)، اصلاح اخلاق جامعه اسلامی، برابری انسان‌ها، آزادی اندیشه و جلوه‌هایی از توجه به تقریب مذاهب مشاهده می‌شود. روش پژوهش در این مقاله توصیفی تحلیلی است؛ به‌طوری‌که ابتدا مطالب فیش برداری و دسته‌بندی و سپس واکاوی و تحلیل شده است.

پروژه‌سکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

واژه‌های کلیدی:

امام رضا(ع)، تقریب مذاهب، سیره و گفتار، وحدت.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان: Esmailzadehyaser@yahoo.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی برق دانشگاه آزاد زاهدان: Fahime_shabanzade@yahoo.com

مقدمه

ضرورت وحدت و پرهیز از اختلاف برای اعتلای امت‌ها، بر هیچ کس پوشیده نیست. سعادت و شقاوت ملت‌ها در گرو وحدت یا تفرقه آنان است و همواره در طول تاریخ آن ملتی به سعادت‌مندی رسیده که با هم برادر بوده‌اند و هرگاه در مسیر تفرقه حرکت کرده به همان اندازه از سعادت فاصله گرفته‌اند.

نگاهی اجمالی به شرایط کلی جهان اسلام و مسلمانان نشان‌دهنده عزم راسخ و جدی دشمنان برای ایجاد اختلاف و تفرقه است و در این مسیر درصدد مهیا کردن رخنه و فرصت هستند. هدف این پژوهش نگاهی عمیق در مصادیق توجه به تقریب مذاهب در سیره امام رضا^(ع) به عنوان الگویی بی‌بدیل در جامعه بشری و اسلامی است تا نتیجه آن به عنوان الگویی که با فرهنگ اسلامی و ملی کشور ما همخوانی دارد در اختیار تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران قرار گیرد.

مسئله اصلی این است که امام رضا^(ع) که در حقیقت «اسلام مجسم» در نگاه شیعه و سنی است و اصولاً در تفکر اسلامی انسان کامل و ترازوی ارزیابی انسان‌ها و میزان اندیشه و اخلاق رفتار آدمی است و بهترین گزینه برای اقتباس در زندگی فردی و اجتماعی محسوب می‌شود، چه دیدگاه و بینشی به وحدت و تقریب مذاهب مسلمین دارد؟ به‌واقع شناخت و بررسی اندیشه‌های این امام بزرگوار و تأسی از این سیره و اندیشه می‌تواند مسلمانان جهان امروز را در برابر نقشه‌های پیچیده و سلطه بیگانه مصون و رهنمون کند.

آن‌چه در این زمینه قابل ذکر است استفاده از آثار مربوط به زندگانی و سیره رضوی نظیر کتاب «عیون الاخبار الرضا^(ع)» تألیف شیخ صدوق به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع است. همچنین از منابعی شامل تاریخ تشیع و امامت و کتب حدیثی،

کتاب رجال، تاریخ عمومی و کتب مربوط به تاریخ خلافت عباسی هم استفاده شده است. نکته ای که در سراسر این پژوهش مد نظر قرار گرفته، این است که سیره و سخن امام رضا^(ع) به مثابه یک «نظریه بزرگ اسلامی» در مقوله وحدت و تقریب مذاهب، به مخاطبان ارائه شود.

در باب اهمیت و ضرورت بررسی تقریب مذاهب در سیره امام رضا^(ع) این نکته مطرح است که حضرت در نزد شیعیان به عنوان امام و پیشوای معصوم شناخته شده و واجب اطاعه هستند و در نزد سایر فرق شیعی، فرزند امام و قابل احترام و تکریم اند؛ از سوی دیگر، از نظر اهل تسنن نیز حضرت به مثابه انسانی پرهیزگار و صادق شناخته می‌شوند.

در عصر حاضر که در کشاکش اندیشه‌های سیاسی، کلامی و اجتماعی متفاوت، بشر به واسطه عصر غیبت به منبع و سرچشمه دینی دسترسی مستقیم ندارد، مسلماً تبعیت از سیره و عمل به الگوهای مسلم، بهترین و شایسته‌ترین راه برای نجات یافتن و رهایی از سرگردانی است.

ائمه معصومین^(ع) و صلحای دین و علمای آگاه و فقیه به منزله راهبران و راهنمایان بشر به سوی هدایت و صلاح هستند و تبعیت از آنان با مبنای عقلانی و دینی پذیرفتنی است.

امروزه مذهب شیعه و سنی و حتی فرقه‌های زیرمجموعه هر یک از این دو مذهب اسلامی تفاوت‌های کلامی و فقهی دارند و هر یک خود را در راه صلاح و رستگاری می‌شمارد. این مذاهب، در یک اقلیم و محیط جغرافیایی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و کشورها نیز در همسایگی یکدیگر با وجود ادیان متفاوت و عقاید گوناگون همزیست شده‌اند. راه این همزیستی، پذیرش و اتکا به مشترکات ادیان است. باید

با مسلمانان بر اساس اصل اسلام و مسلمانی از تباط برقرار کنیم و با سایر ادیان بر اساس خصلت‌های انسانی در تعامل باشیم و در عین حال، استدلال‌ها و براهین دینی و مذهبی خود را اشاعه دهیم تا کسی جاهل، قاصر و ناآگاه از حق نماند. همچنین باید از طریق تعامل، جهاد فرهنگی را آغاز کنیم و با رفتار و کردار خود عمل دینی را به نمایش بگذاریم و این همه میسر نمی شود مگر با همت گماشتن برای تقریب مذاهب. باید توجه داشت تقریب مذاهب، یکی ساختن مذاهب و کنار نهادن عقاید حقه مذهبی نیست؛ بلکه تقریب مذاهب، اتکا بر اشتراکات در تعامل دینی و انسانی با سایر مذاهب و احترام به حقوق و عقاید آنان است. زمانی که می خواهیم موضوعی ضروری در عرصه اجتماع به منصفه ظهور برسد، مطمئناً باید به منبعی محکم و الگویی جامع و متقن تکیه کنیم و امام رضا^(ع) چنانچه اشاره شد مورد پذیرش و الگوپذیری تمام مسلمانان است و از مقبولیت شخصیتی، الگوپذیری، فکری و علمی نزد مسلمانان برخوردارند. از سوی دیگر، ایشان در عصر خود با افکار مسیحیت و اندیشمندان یونان و روم مواجه بودند و همزمان با معتزله که فرقه‌ای کلامی از اهل تسنن است، مباحثه علمی داشتند؛ البته از سوی دیگر، با واقفیه که فرقه‌ای نو ظهور از تشیع بود مناظرات و مباحثاتی داشتند و بخشی از زندگی امام رضا^(ع)، عصر آزادی اندیشه و ظهور تفکرات گوناگون و جدال عقاید متفاوت در حکومت مأمون بوده است؛ بنابراین با بررسی سیره ایشان می توان روش‌های عملی مباحثه را استخراج کرد و به عنوان اصل عملی برای تقریب و تعامل با سایر مذاهب به کار گرفت.

۱. مبانی مفهومی و نظری

۱-۱. مفهوم وحدت

وحدت از ریشه «وح د» از پر معناترین لغات عربی است که در لغت به معنای

نگرشی به وحدت و تقریب مذاهب در سیره و گفتار امام رضا^(ع) ❖ ۱۶۹

یگانه بودن است و لغت شناسان بر این معنا اشتراک نظر دارند(دهخدا، ۱۳۷۷: ۸۴۴).

وحدت به معنای توجه و تمسک به مشترکات بین دو فرقه یا دو قوم و در میان دو فرقه شیعه و اهل سنت است. جای بسی تأسف است که با وجود مشترکاتی چون یک خدا و یک پیغمبر و یک کتاب، افراد در مسائل جزئی به نزاع و افتراق برخیزند(بی آزار شیرازی، ۱۳۷۷: ۱۸۹).

۱-۲. امام رضا^(ع) و وحدت اسلامی

رسول خدا^(ص) و ائمه اطهار^(ع) همیشه بر استقرار وحدت در جامعه تأکید داشتند و به همین دلیل امام رضا^(ع) هم در طول حیات مبارک خویش بر ضرورت تقریب مذاهب و دوری از تفرقه تأکید کردند. از نگاه امام رضا^(ع) چون انسان موجودی اجتماعی است و در جامعه زندگی می کند، بنابراین برای تحقق اهداف خود نیازمند برقراری ارتباط با سایر افراد است تا بتواند به نتایج مطلوب مد نظر خویش دست یابد و این خواسته، جز با وحدت و یکدلی تحقق نخواهد یافت. نمود عینی این کلام را در فرمایش حضرت در توصیه به یاران خویش با استناد به فرمایش امام صادق^(ع) می توان به خوبی مشاهده کرد: «از تشّت و تفرقه و جدایی پرهیزید، زیرا موجب رفتن همت و کم شدن ارزش و پایین آمدن قدر و منزلت شما می شود»(مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱۴: ۵۳).

ایشان در جای دیگر جدایی از اجتماع مسلمانان و به تعبیری خروج از وحدت اجتماعی را به نوعی بیرون شدن از دایره مسلمانی و بازگشت به جاهلیت دانسته و فرموده اند: «آن که از جماعت مسلمانان جدایی جوید، بند اسلام را از گردن نهاده است و مرگی جاهلانه خواهد داشت»(همان، ۷۳).

۱-۳. سیره

واژه «سیره» در زبان عربی در اصل از ماده سیر به معنای حرکت و راه رفتن بوده و به معنای سبک و شیوه راه رفتن به کار می رود. مانند جلوس و جلسه که اولی به معنای نشستن و دومی به معنای سبک نشستن است. معنای اصطلاحی آن، شناخت نوع زندگی و سبک رفتار اجتماعی اهل بیت و سلوک آن بزرگواران و چگونگی موضع گیری اجتماعی، سیاسی و شیوه فعالیت های اجتماعی، فرهنگی آن هاست (معزالدین، ۱۳۷۶، ۱۸).

۱-۴. تقریب مذاهب

«تقریب» مصدر وزن تفعیل از قرب به معنای نزدیک کردن دانسته شده است. همچنین مذاهب جمع مذهب است و مصدری دانسته شده که به معنی رفتن یا مکانی برای رفتن است. بنابراین مقصود از مذاهب اسلامی آن دسته از مکاتب اعتقادی و فقهی معروف اسلامی هستند که دارای نظام اجتهادی منسجم و مستند به کتاب و سنت هستند. (سیاوشی و سلیمانی فرد: ۱۳۹۴: ۷۵)

۱-۴-۱. عناصر تقریب

در واقع می توان اهم عناصر تقریب را بدین صورت بیان کرد:

پیروان مذاهب، دارای دین واحدی هستند و در اصول اساسی اسلام (توحید، نبوت، معاد) اختلافی ندارند؛ ولی هر چند در بحث های کلامی، اصولی، فقهی، حدیثی و تفسیری اختلاف دارند، اختلاف شان در اصول اعتقادی نیست؛ بنابراین، می توان به این مطلب اشاره کرد که اختلاف عالمان مذاهب در مسائل نظری، مسئله ای فرعی است که بر اساس اجتهاد، تجویز شده است.

اعتقاد به این مسئله که تقریب مذاهب اسلامی در عصر کنونی که دشمنان اسلام

نگرشی به وحدت و تقریب مذاهب در سیره و گفتار امام رضا^(ع) ❖ ۱۷۱

از هر سو مسلمانان را احاطه کرده‌اند، موضوعی ضروری است.

- انتخاب شیوه‌های پسندیده پیشوایان مذاهب در بحث‌ها و مناظره‌ها از سوی پیروان مذاهب.
- ادعان به این مطلب که در شرع، نمی‌توان بدون دلیل قاطع و روشن، پیروان دیگر مذاهب را تکفیر کرد، چرا که همه به اسلام اعتقاد دارند.
- جمع‌آوری روایات و احادیثی که از نظر سند مورد پذیرش است. همچنین گردآوری روایاتی که در الفاظ یا مضمون مشترک هستند و در مبانی و مصادر همه مذاهب وجود دارند و نیز شناسایی راویان ضعیف و جاعلان حدیث در مذاهب و نقد و ابطال آن‌ها و همچنین عرضه کردن روایات متعارض بر کتاب خدا و اصول مسلم شریعت (همان، ۹۳-۹۴).

۲. بیان مسئله و تحلیل یافته‌ها

امام رضا^(ع) تقریب مذاهب را هیچگاه پذیرش و سکوت در مقابل اعتقادات و نظرات دیگر مذاهب نمی‌دانند؛ بلکه تعامل صحیح و احتجاج بر اساس نظرات و اعتقادات را سرلوحه خویش قرار می‌دهند و اصحاب و یارانشان را از تسریع در پذیرش یا نفی انکار عقاید سایر مکاتب باز می‌دارند و می‌توان اقدامات امام رضا^(ع) را برای حفظ اصالت شیعی و اسلامی و رفع شبهات، کوشش در هدایت پیروان برای دور ماندن از مکاتب انحرافی دانست.

در این بخش از پژوهش سعی شده است به مقوله «تقریب مذاهب» در سیره امام رضا^(ع) به صورت نسبتاً مبسوط پرداخته شود.

۱- محوریت قرآن

امام رضا^(ع) به طور جدی به اجرای مبانی نورانی قرآن کریم اهتمام داشته و

پای بندی به این امر از پایه‌های اصلی سیره ایشان بوده است. این مسئله، حقیقتی انکارناپذیر است که تمامی مسلمانان در قالب اقوام و دسته‌های متفاوت کلامی و فقهی و نحله‌های متنوع فکری و عملی، در پذیرش قرآن به عنوان مهم‌ترین منبع و محور وحدت اسلامی و ضرورت پیروی از داوری و دستورهای آن اشتراک نظر دارند. از این لحاظ امام رضا^(ع) همواره مسلمانان را به محوریت و فصل الخطاب بودن این منبع اصیل متوجه کرده و بر اهمیت آن تأکید داشته‌اند. امام رضا^(ع) محوریت قرآن کریم را بنا به دلایل ذیل مطرح کرده‌اند:

- در بینش و منش امام رضا^(ع) پذیرش محوریت قرآن به لحاظ جامعیت و وضوح مفاهیم و تعالیم موجود در آن است چرا که رفع بسیاری از اختلافات فکری، تنش‌های تفرقه‌انگیز و فتنه‌های سیاسی و اجتماعی با مراجعه به قرآن کریم قابل حل است.

- همچنین امام رضا^(ع) شالوده بهترین زندگی اجتماعی و اخلاقی را در رعایت اتحاد و انسجام دانسته‌اند. امام رضا^(ع) در این زمینه فرموده‌اند: «قرآن رشته ناگسستگی و ایمان استوار خداست و راهی بس نزدیک به او که به سوی بهشت رهنمون سازد و از آتش‌رهایی بخشد» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱۴: ۹۲).

در مطالعه سیره رضوی به این مطلب برمی‌خوریم که اباضیت از حضرت رضا^(ع) پرسید: نظر شما درباره قرآن چیست؟ امام فرمودند: «کلام الله لاتتجاوزوه ولا تطلبوا الهدی فی غیره فتضلوا»، قرآن کلام خداست از آنچه او گفته است فراتر نروید و هدایت را در غیر او نجوید که گمراه می‌شوید (محمدزاده، ۱۳۸۵: ۴۹۰). این سخن امام رضا^(ع) روشن می‌کند که هدایت و راه سعادت در تمسک به آموزه‌ها و داده‌های قرآن است و پیشی گرفتن و عقب ماندن، گمراهی است.

۲- تمسک به سیره و سنت نبوی

دومین منبع اصیل شریعت و از مهم‌ترین محورهای وحدت بخش در اجتماع و مورد پذیرش مسلمانان برای تقریب مذاهب اسلامی، همچون سایر بزرگواران در بینش و منش رضوی، تمسک به سیره و سنت نبوی است. درست است که موضوعاتی از قبیل اجماع، قیاس، استحسان و... نزد فقهای اهل سنت و عقل، اجماع، شهرت فتوایی، سیره متشرعان و علاوه بر آن، قول امام نزد شیعه از حجت‌ها و مصادر شرعی تلقی شده است، اما دلیل اعتبار همگی این منابع نیز نزد این دو گروه به «سنت نبوی» باز می‌گردد. دلیل این مسئله نیز روشن است؛ قرآن مجید، پیامبر اسلام را محور همبستگی و یکدلی مسلمانان معرفی کرده (آل عمران، ۱۵۹) و اطاعت و عصیان از دستورهای آن حضرت را، همسان با اطاعت و یا عصیان الهی دانسته است (المائدة، ۹۲؛ الجن، ۲۳).

امام رضا(ع) نیز با استشهاد به آیات قرآن کریم در جلسات مختلف مناظره و نیز سایر گفت و گوها میان مسلمانان در راستای محقق شدن وحدت اجتماعی و تقریب مذاهب، پیامبر اکرم را به عنوان مفسر و مبین معانی قرآن واجب الاطاعه و داور نهایی در منازعات و محاکمات و تشخیص درستی از نادرستی معرفی می‌کنند (النساء، ۵۹) و پیامد نافرمانی از دستورهای ایشان را همانند نافرمانی از خدا، مستوجب آتش می‌دانند (النساء، ۱۴). همچنین، پیامبر (ص) بر اساس نص صریح قرآن کریم؛ «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (الاحزاب، ۲۱)، بهترین پیشوا، راهنما و مقتدای مسلمانان است. بنابراین، امام رضا(ع) در جامعه، سخنان پیامبر اکرم (ص) را برای وحدت اجتماعی فصل الخطاب می‌دانستند و تمامی درستی و نادرستی جملات و عبارات مسلمانان

را با محک آن می‌سنجیدند؛ تا جایی که مخالفت و عدول از آن را نیز، همسان کفر یا شرک تلقی می‌کردند (کلینی، ۱۳۵۶، ج ۱: ۷۰).

با توجه به چنین مبنایی بود که ایشان تعالیم و سخنان پیامبر را ملاک پذیرش سخنان خود نیز می‌دانستند و تأکید می‌کردند که ما نه از پیش خود چیزی می‌گوییم و نه عدل و همتایی را در مقابل کتاب و سنت می‌پذیریم (نوری طبرسی، ۱۴۰۷، ج ۱۷: ۳۱).

در طول سال‌های استقرار حکومت اموی و عباسی به تدریج سنت رسول خدا از جامعه اسلامی رخت بر بست و فرهنگ اشرافی و قومی که ریشه در فرهنگ جاهلی داشت بر جامعه حاکم شد. این موضوع موجبات دل‌سردی و ناامیدی توده‌های مختلف مردم و به خصوص تازه مسلمانان از اقوام و ملیت‌های دیگر را فراهم کرد. عاملی که در نهایت زمینه‌ساز تفرقه و از هم گسیختگی جامعه اسلامی شد. ائمه اطهار به عنوان جانشینان حقیقی و وارثان سنت رسول خدا همیشه بر بازگشت به سنت آن حضرت برای حل مشکلات و استقرار وحدت در جامعه تأکید داشته‌اند. امام علی^(ع) در دوران خلافتش در سخنان خود به طور مؤکد به عمل به سنت رسول خدا اشاره دارد. ایشان در خطبه ۱۰۹ نهج البلاغه می‌فرمایند: «همانا بر امام نیست جز آن چه از امر پروردگار به عهده او واگذار شده: کوتاهی نکردن در مؤظت و کوشیدن در نصیحت و زنده کردن سنت».

۳- اصلاح اخلاق جامعه اسلامی

منابع اخلاقی امام رضا^(ع) که در مواجهه با قشرهای مختلف مردم که بر مبنای نورانی قرآن و سنت پیامبر^(ص) و سیره ائمه اطهار^(ع) مبتنی بود، در نوع خود بینظیر

نگرشی به وحدت و تقریب مذاهب در سیره و گفتار امام رضا^(ع) ❖ ۱۷۵

بود و همه را به تحسین و امی داشت، در برقراری تقریب مذاهب نقش کلیدی داشته است. ابراهیم بن عباس در روایتی گفته است: «مانند حضرت رضا^(ع) ندیدم و نشنیدم و از آن جناب چیزها مشاهده کردم که در جاهای دیگر مشاهده نکردم، من او را در حالی که شخصی را با سخنانش اذیت کند ندیدم، هرگز کلام کسی را قطع نمیکرد تا آن گاه که سخنش تمام می شد و احتیاجات احدی را در صورتی که می توانست انجام دهد رد نمی کرد و در نزد هم نشینانش پاهای خود را دراز نمی کرد. من او را هرگز در حال دشنام دادن ندیدم. حضرت رضا^(ع) بسیار کم می خوابید و اکثر شب ها را تا صبح بیدار بود و بسیار روزه می گرفت، وی صدقه و احسان زیادی داشت و در نهانی انفاق می کرد» (طبرسی، ۱۴۰۳ ق: ۴۸۳). ذکر چند نکته در راستای تقریب مذاهب در سیره حضرت ضروری است.

این مناقب اخلاقی حضرت موجب جذب حداکثری توده های مختلف مردم از قومیت ها و گروه های گوناگون و همگرایی آنان در جامعه اسلامی می شد. ظلم و ستم خلفای عباسی و وابستگان آن ها، توده های مختلف مردم را به ستوه آورده و به ویژه موجبات رنجش اقوام و اقلیت ها را فراهم کرده بود. شایان ذکر است که در این دوره اقوام و اقلیت ها و به خصوص ایرانیان به شدت از عباسیان رنجیده بودند. عباسیان با مساعی ایرانیان و سردار نامی آنان ابومسلم دعوت خود را سامان دادند و خلافت امویان را منقرض کردند و به کرسی خلافت دست یافتند (مسعودی، ۱۳۷۴: ۲۴۷). اما مدتی بعد ابومسلم را به قتل رساندند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۳۵۶) همین امر موجبات ناراحتی و انزجار توده های مختلف مردم ایران را فراهم کرد و با قتل عام خاندان برمکی به دست هارون الرشید (طبرسی، ۱۳۷۵: ۵۲-۵۳) این تنفر در بین ایرانیان افزایش یافت. در این زمان اخلاق ناب اسلامی امام رضا^(ع) باعث فروکش کردن این

تنفر از سویی و دلگرمی ایرانیان و سایر اقوام دیگر سو شد و موجبات همگرایی آنان با سایر مسلمانان را فراهم کرد.

اخلاق ناب امام رضا^(ع) به عنوان تکیه گاهی برای تبلیغ اسلام راستین بود. برخلاف خاندان عباسی که به خیانت و مکر و حيله مشهور بود و باید دانست که دولت عباسی دولتی پر از مکر و خدعه بود (ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۲۰۰) مردم به شدت از اخلاق و منش آنان متنفر بودند، اخلاق ناب امام رضا^(ع) در برخورد با توده های مختلف مردم آنان را دلگرم می کرد و باعث پیوند دل ها و الفت قلوبشان می شد.

امام رضا^(ع) خیر و صلاح جامعه اسلامی و قرار گرفتن در مسیر رفاه و وحدت را در رعایت اخلاق ناب اسلامی میدانند و به نقل از رسول خدا می فرماید: «پیوسته امت من در طریق صلاح و خیر و رفاه است؛ مادامی که با یکدیگر دوستی می کنند و به هم تحفه می فرستند» (ابن بابویه ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۵)

۴- آموزش و ارتقای سطح علمی جامعه

حیثیت علمی امام رضا^(ع) از جمله مهم ترین عوامل برقراری تقریب در جامعه اسلامی محسوب می شود. ذکر چند نکته درباره اوضاع زمان امام و اهمیت یافتن علم در جامعه اسلامی حائز اهمیت است:

این دوران، دوران شکل گیری نهضت ترجمه و ارتقای سطح علمی جامعه اسلامی بود.

در این دوره موضوعات مهمی از فلسفه یونانی به جامعه اسلامی راه یافته و سؤالاتی را ایجاد کرده بود که هنوز پاسخ معقول و موجهی برای تعداد زیادی از آنها ارائه نشده بود.

به علت ورود نحله های فکری خارجی، جهان اسلام درگیر تضادهای فکری و

کلامی و مباحث برخاسته از این تضادها شده بود. «عقل گرایی محض که از کتب عقلی یونانی و سریانی و غیر آنها به وجود آمده بود، افراد بسیاری را به مذهب اعتزال سوق داد، به گونه‌ای که گمان کردند تنها عقل است که سرچشمه معرفت است و تدریجاً خود را بی نیاز از وحی دانستند» (مرتضوی، ۱۳۷۵: ۳۱-۳۲).

در دوره مأمون که از مشهورترین خلفای عباسی در زمینه علاقه‌مندی به علم و ترویج آن به شمار می‌آید، ترجمه کتب از زبان‌های غیر عربی به اوج خود رسید. «او کتابخانه‌های مخصوص را مرکز این کار قرار داد که به بیت الحکمه معروف شد و بسیاری از دانشمندان و مترجمان در آن جا مشغول تحقیق بودند» (خضری، ۱۳۷۸: ۶۹-۷۰).

این عوامل سبب شکل‌گیری تضادهای فکری و تنش در بین مردم، علماء، دانشمندان و نخبگان را فراهم کرده بود. امام رضا^(ع) برای برقراری و حفظ تقریب مذاهب و گروه‌ها و کاهش تنش‌ها و تضادها در میان جامعه اسلامی اقداماتی به شرح ذیل انجام داده‌اند:

عظمت علمی حضرت، شاگردان زیادی را به طرف ایشان کشیده بود که امام^(ع) با تمام توان به تربیت آنها پرداختند. طی ۱۸ سال دوران امامت حضرت در مدینه و دو سال در ایران بر اساس آمار ارائه شده توسط منابع، شاگردان امام حدود ۳۱۸ نفر ذکر شده‌اند (طوسی، ۱۳۸۱ق: ۳۶۶). اقدام امام برای تربیت شاگردان به دلایل ذیل در استحکام وحدت و تقریب مذاهب مؤثر بوده است:

- ۱- پذیرش شاگرد از طرف امام بدون هیچ محدودیت قومی، دینی و مذهبی
- ۲- این شاگردان به علّت وسعت و عظمت امام، هر یک به مرور ایام به استوانه‌های علمی تبدیل شدند و موجبات نشر معارف اسلامی و قرآنی را فراهم

کردند و بر استحکام جامعه اسلامی افزودند.

۳- به علت اهتمام امام رضا^(ع) بر تقریب مذاهب و وحدت حداکثری، این شاگردان همت خود را بر استحکام جامعه اسلامی و پرهیز از تفرقه معطوف داشتند. مأمون به علت اقتضائات زمان که در مباحث فوق‌الذکر به آن اشاره شد و همچنین تمایلات شخصی خویش، پس از فراخواندن امام رضا^(ع) به مرو، جلسات علمی متعددی با حضور افراد مختلف از علما و دانشمندان مذاهب و ادیان مختلف تشکیل می‌داد. در این جلسات مذاکرات زیادی میان امام رضا^(ع) و دیگر شرکت‌کنندگان در مذاکرات صورت می‌پذیرفت که به طور عمده در حول مسائل اعتقادی و فقهی دور می‌زند. (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۲۶)

در این جلسات گفت‌وگوی علمی، امام رضا^(ع) با استدلال‌های محکم و قاطع ضمن استقرار وحدت و تقریب مذاهب جامعه اسلامی به سؤالات پاسخ میداد و طرف‌های مقابل مغلوب می‌شدند، در نتیجه دیگران به فضل ایشان در علم و دانش اعتراف میکردند و این امر برای امام به عنوان تجلی اسلام راستین حیثیت علمی بی‌نظیری را فراهم می‌کرد و موجبات گسترش و نشر اسلام می‌شد. (همان ۱۵۲)

انتشار خبر مناظرات که در فضایی صمیمانه برگزار می‌شد، موجبات جلب نظر و رضایت مذاهب و اقلیتهای قومی و مذهبی را فراهم می‌کرد و موجب همگرایی آنان با مسلمانان می‌شد. در این میان رعایت شئون اخلاقی از طرف امام و پرهیز از هرگونه جدل و تشتت موجبات آرامش فکری در پیروان انواع مذاهب و نحله‌های فکری را فراهم می‌کرد. رویه امام رضا^(ع) در رعایت حقوق نمایندگان ادیان و مذاهب موجبات نزدیکی رهبران و نمایندگان آنان و در حقیقت تحقق تقریب مذاهب می‌شد.

۵- تأکید بر برابری انسان‌ها

حضرت مسئله برابری و عدالت اجتماعی را از ضروری ترین مسائل در حفظ و تحقق تقریب مذاهب مطرح و اعلام کردند که عدالت لازمه توحید است و برای ایجاد تقریب مذاهب و وحدت در جامعه اسلامی باید عدالت اجتماعی به عنوان زمینه اصلی حفظ تقریب مذاهب گسترش یابد؛ چراکه به اعتقاد حضرت در جامعه پر ظلم و داد و هر جامعه ظالمانه ای، وحدت هرگز تحقق نخواهد یافت.

در عصر عباسی نیز باسابقه ای مبتنی بر عدالت گریزی، استبداد و ستم فراوان تا حدود زیادی حاکمیت آنان را در بهره گیری ناصواب از قدرت، منطبق و مشابه بر نابرابری اجتماعی و عدم توجه به نظرات موافق و مخالف بود. بنابراین عدالت سیاسی پیش در آمد عدالت اجتماعی است که تنها با قاعده محور قرار دادن قدرت سیاسی در جامعه تحقق می یابد.

در بیانات امام رضا(ع)^۱ و نیز آیات قرآنی، برهمسانی نوع انسان تأکید شده و هرگونه امتیاز، جز تقوا نفی گردیده است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۴۱). بنابراین در سیره رضوی که سیره ای همسو و هم آوا با قرآن است، برای حفظ وحدت جامعه، عدالت یگانه اصلی است که می تواند به جامعه تعادل، سلامت روحی و آرامش ببخشد.

اساس و هدف متعالی رسول خدا(ص)^۲ و ائمه اطهار(ع)^۳ برقراری عدالت و برابری در جامعه اسلامی بود و بر همین اساس هیچگونه تبعیضی را در نظام حکومتی و اداری خود قبول نداشتند و با تمام وجود در برابر تبعیض ایستادگی می کردند. امام رضا(ع)^۴ نیز به عنوان حافظ میراث نبوی و علوی بر برابری انسان ها و نبود هرگونه تبعیض تأکید داشتند. مردی به امام رضا(ع)^۵ عرض می کند: «به خدا سوگند در روی زمین، از حیث نسب کسی از شما برتر نیست. امام به آن مرد فرمودند: تقوا به آنان برتری داد

و فرمانبرداری خدا آنان را بدان پایه و مقام رسانید.» (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۲۶)

بدیهی است که چنین منش و روشی سبب فقدان عقده و اختلاف طبقاتی می‌شود و شکاف میان افراد جامعه را کاهش می‌دهد، کینه‌ها و دشمنی‌ها را نابود و از فرقه‌سازی در میان امت اسلامی جلوگیری می‌کند. (قرشی، ۱۳۸۹: ۱۴۵)

۶- آزادی اندیشه

جامعه انسانی متشکل از نژادها، ملت‌ها، اقوام مختلف و نحله‌های فکری و ادیان و مذاهب مختلف است. به همین دلیل هر انسانی که در پی استقرار استحکام جامعه و تقریب مذاهب است باید از تنش و تضادهای جامعه بکاهد و زمینه تفاهم و وحدت نظر گروه‌ها و مذاهب مختلف را فراهم کند. در اندیشه رضوی انسان‌ها به‌طور فطری عقاید و سلاقی مختلفی دارند. مسلمانان نیز بر همین مبنا دارای عقاید و نظرات متفاوتی هستند که این اختلاف عقیده موجب تعارض و درگیری‌های قابل توجهی میان آن‌ها شده است. از طرفی در نگرش امام رضا^(ع) اختلاف عقیده نباید مانع تقریب و وحدت شود؛ چرا که می‌توان با داشتن عقاید متفاوت، تقریب مذاهب را برقرار کرد. بنابراین همه انسان‌ها و به تبع آن همه مسلمانان باید سلاقی شخصی و مذهبی و قومی خود را کنترل کنند و با تأمل و تأکید بر اصول مشترک انسانی و اسلامی خود، حول محور توحید، اعتصام به حبل الله کنند تا زمینه تحقق مقاصد اسلام و از آن جمله تقریب مذاهب فراهم شود. به منظور استقرار آزادی اندیشه در جامعه اسلامی امام رضا^(ع) بر موارد ذیل تأکید داشته‌اند:

الف) اختلاف عقیده و نظر

وقوف به وجود اختلاف و تنوع افکار، طبایع و سلاقی اجتناب‌ناپذیر بشری را باید نخستین و چه بسا مهم‌ترین گام و مبنای تقریب مذاهب و وحدت طلبی اجتماعی در

سیره و اندیشه رضوی به شمار آورد. از دیدگاه ایشان اگر این اصل فراگیر به گونه ای صحیح و در چارچوب مشترکات مذهبی و اصول اخلاقی مورد پذیرش و توجه قرار گیرد، نه تنها مانع بسیاری از تنازعات اجتماعی می شود، بلکه با توجه به تأثیر آن در رفع زمینه های اختلافات مذهبی، موجبات تقریب مذاهب را در جامعه مسلمین فراهم خواهد کرد (کلینی ۱۳۵۶، ج ۴: ۴۴) بنابراین امام رضا^(ع) در برخورد و نگاه خود به دیگران به ویژه مخالفان مذهبی خود، برای برقراری تقریب مذاهب به ویژگی های متفاوت روان شناختی آنان توجه می کردند و به الزامات آن نیز پای بند بودند.

ب) روشنگری عالمانه

توجه به معضلات و حل پرسش های فلسفی، تفسیری، فقهی و عقیدتی یکی از مظاهر سیره امام رضا^(ع) برای پای بندی به آزادی اندیشه و اهتمام به مقوله تقریب مذاهب اسلامی است (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۴۸). با مطالعه مناظرات و مباحثات امام رضا^(ع) برای روشنگری جاودانه امام رضا^(ع) می توان ویژگی های ذیل را برشمرد:

- حضرت در جلسات مناظره ابتدا آیات قرآنی را به روش صحیح برای مخاطبان تفسیر و تبیین می کرد تا آن ها را از کج فهمی آیات نجات دهد. در وهله بعد با سعه صدر مباحث تکمیلی را بیان می کرد تا مخاطب متوجه عمق مطالب شود.
- حضرت اجازه طرح سؤال در تمامی زمینه ها را به مخاطبان می دادند و هیچ منعی در این زمینه قائل نبودند، سپس با متانت به سوالات و شبهات مطرح شده با دقت و حوصله پاسخ می دادند تا مرحله ای که شخص اقناع و راضی شود.
- امام با توجه به درک و توان مخاطب از گفته ها و نظرهای آنان استفاده می کرد تا آنان را متوجه مطالب و احیاناً اشتباهات و ایرادات کند.
- در صورتی که برخی افراد دفاع سرسختانه ای از نظرات خود می کردند حضرت

با طرح سؤال و انتقادات درست، آنان را متوجه می کردند و تاروشنگری کامل اندیشه آنان دست از تلاش بر نمی داشتند.

ج) تحمل عقاید دیگران

امام رضا^(ع) ضمن درک اختلاف سلیق، مسلمانان را به ترک جدال و به تعبیری به تقریب مذاهب دعوت می کرد و از آنان می خواست عقاید یکدیگر را در نهایت احترام قلمداد کنند و برای پاسخ دهی صحیح به اختلافات، به مشترکات دینی بپردازند و زمینه را برای ارتقا تقریب مذاهب و رشد اندیشه در جامعه اسلامی فراهم کنند (ملایری معزی، ۴۳۳ق: ۴۳۲).

د) خودداری از دشمنی مذهبی

در نگرش امام رضا^(ع) اختلافی که ناشی از عوامل سیاسی، اجتماعی و بر پایه حب و بغض های مذهبی باشد و نه برای فهم و تدبیر و تأمل در دین و کشف حقیقت نه تنها مردود و نپذیرفتنی است، بلکه جلوگیری از آن نیز لازم است و این خود در حقیقت عاملی برای تقریب مذاهب است. توجه ویژه امام رضا^(ع) به این اصل یعنی برخورد تحقیرآمیز همراه با توهین و تمسخر در مواجهه با هر عقیده ای محکوم است و از دیدگاه ایشان مسلمانان باید پیوسته مراقب تحریک احساسات مذهبی مخالفان باشند. حضرت در قبال ایجاد تفرقه و اختلاف برخورد شدید می کردند به گونه ای که در یکی از مجالس مباحثی درباره صحابه مطرح شد و شخصی به ناسزاگویی پرداخت، اما حضرت ضمن دعوت وی به آرامش در ضمن روایتی به نقل از امام صادق^(ع) فرمودند: «خاندان محمد^(ص) همگی بر این باورند که باید درباره اصحاب پیامبر^(ص) به بهترین وجه سخن گفت» (طبرسی، ۴۰۳ق: ۴۸۰).

همچنین از امام رضا^(ع) نیز روایاتی نقل شده است که باروشن کردن مسائل

از ورود به بعضی اختلافات و بحث‌های کلامی مانع شده‌اند؛ برای مثال در مسئله حدوث و قدم قرآن، امام در نامه به یکی از شیعیان فرمود: «ما جدال در قرآن را بدعت می‌دانیم و در این مورد سائل و مجیب هر دو شریک‌اند و جز خدا خالق نیست و آن چه ماسوای اوست مخلوق و آفریده است و قرآن کریم الهی است؛ از پیش خود بر آن اسمی نگذار که از گمراهان خواهی بود» (صدر حاج سیدجوادی، ۱۳۸۵: ۴۵). بنابراین هنگامی که خداوند پیامبر^(ص) و ائمه طاهرين^(ع) برخی از مسائل را خارج از درک بشر دانسته‌اند چه جای جدال و بحث درباره آن‌هاست. بنابراین در بحث‌های کلامی، این گونه مسائل باید از سایر مسائل کلامی جدا شود و خلط نشود چرا که قطعاً نزاع درباره چنین مسائلی بیهوده خواهد بود.

۷- استدلال از طریق مبادی عقلی و منطقی

از ویژگی‌های بارز شخصیت امام رضا^(ع) احاطه ایشان بر گونه‌های مختلف علوم و معارف بود، به گونه‌ای که مورخان و راویان، یک صدا حضرت را در احکام دین، فلسفه، طب و دیگر دانش‌های آن روز، سرآمد روزگار می‌دانستند. (حکیم و حسینی، ۱۳۸۵: ۳۱).

امام نه تنها به تفکر و تعقل می‌کردند؛ بلکه خود نیز در مباحث و مناظرات خود تکیه بر عقل داشتند زیرا بر پایه استدلال عقلایی کلیه منکران ناچار به تسلیم هستند. از این رو، در تمام مباحث اعتقادی و کلامی امام رضا^(ع) استدلال را بر پایه عقل می‌نهند، مگر آن که ابتدا نقل و مستند کلام‌شان را بر پایه عقل اثبات کنند و به آن اقرار گیرند، سپس از آن بهره جویند. نمونه‌ای از استدلال امام با شیوه به کارگیری مبادی عقلی درباره اراده الهی است. در پاسخ به این متکلم که آیا اراده عین ذات الهی است یا زائد بر آن؟ امام رضا^(ع) در پاسخ سلیمان مروزی، کلامی مشهور خراسان که

معتقد بود، اراده خداوند عین ذات او نیست ولی غیر از خداوند هم نیست. می‌فرمایند: ای جاهل، هنگامی که می‌گویی اراده خدا عین ذات او نیست بایستی چیزی غیر او باشد، هنگامی که می‌گویی اراده چیزی غیر از ذات نیست باید عین آن باشد (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۵۳) و در این جا، برهان حضرت بر مبنای اصل عقلی امتناع جمع عینیت و غیریت که دو امر نقیض‌اند و قابل رفع و جمع نیستند، استوار است. سیره عملی امام رضا^(ع) در ارائه برهان برای هر اصل کلی در معارف الهی و استناد به مبادی تصدیقی خاص و عام بوده است و همان گونه که از مبادی بدیهی تصدیق در استدلال عقلی استفاده می‌کردند به کارگیری آن در اسلوب منطقی کلام را نیز می‌پسندیدند (عطاردی قوچانی، ۱۴۰۶: ق: ۳۱).

۸- دوری جستن و بی طرفی در حرکت‌های نظامی

شورش «ابوالسرایا» از مهمترین شورش‌های زمان امام رضا^(ع) است که ۲۰۰ هزار مبارز در این شورش کشته شدند. رهبر این شورش، ابتدا محمد بن ابراهیم معروف به ابن طباطبا بود و سپس با پیوستن ابوالسرایا که از سرداران مأمون بود، انسجام و گسترش یافت. ابوالسرایا شورش را ضد بنی عباس اعلان کرد و لشکرش را به نینوا فرستاد و زیارتی طولانی بر قبر امام حسین^(ع) انجام داد. سپس با دعوت از زید به قیام، خطبه طولانی خواند و با ستایش اهل بیت^(ع) و بیان ظلم و ستم‌های که بر آنان رفته بود، هدف خود را انجام دستورهای الهی، دفاع از دین و یاری اهل بیت اعلام کرد (پیشوایی، ۱۳۷۲: ۱۲۲). این حرکت ابتدا با موفقیت‌های بسیار و تسخیر کوفه و پیروزی بر لشکر حسن بن سهل همراه بود. اما با درگذشت محمد بن ابراهیم، لشکر تنزل یافت. حسن بن سهل با بازگشت به بغداد تجدید قوا کرد. این بار هر ثمه فرماندهی را به عهده گرفت و با شکست دادن حاکم منصوب ابوالسرایا در مدائن به

سوی کوفه حرکت کرد. با شکست سنگین شورش ابوالسرایا، او به حاکم خراسان پناهنده شد. زمانی که حسن بن سهل به او امان داد، وارد مدائن شد اما حسن بن سهل حکم قتل و اعدام او را صادر کرد (شریف قرشی، ۱۳۲۹: ۳۹۱) به طور کلی، زندگی سیاسی در زمان امام رضا(ع) هرج و مرج شایع بود و شورش ضد حکام عباسی در برخی موارد با شعار حق خواهی و دفاع از اهل بیت ادامه داشت. نکته شایان ذکر آن است که حضرت در هیچ یک از موارد اقدام نظامی آنان را تأیید و یا حمایت نفرمودند؛ بلکه در قبال تمام آنان سکوت اختیار کردند. این اقدام با دو هدف حفظ جان علویان با توجه به قلت جمعیتی آنان و از سوی دیگر، مهیا نبودن شرایط و زمینه‌های جهاد در زمان مذکور صورت می‌گرفت. به هر حال، حضرت با ملاحظه شرایط از اقدام بی نتیجه که موجب قتل و خون‌ریزی میان مذاهب و عقاید و جناح‌های متفاوت شود پرهیز می‌کردند و در راه اصلاح این روابط و تفاوت‌ها کوشیدند.

۹- نفی قومیت گرایی

یکی از راهکارهای اسلام برای تحقق تقریب مذاهب و وحدت در جامعه مسلمین و ایجاد حس برادری و یکی شدن آحاد مسلمانان، نفی نژادپرستی و تبعیضهای ناروا بین افراد جامعه بوده است؛ زیرا همانگونه که در منابع تاریخی موجود است نژادپرستی و تفاخر به قومیت و آبا و اجداد به وفور در میان سران عرب وجود داشته و با ظهور اسلام و نزول قرآن بر نبی اکرم (ص) در مبارزه با این تفکر پلید، پایه‌های این اندیشه متزلزل شد چنان که در قرآن کریم می‌خوانیم «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ»؛ ای مردم ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را به صورت گروه و قبیله قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست (الحجرات، ۱۳).

امام رضا^(ع) بر این موضوع تأکید زیادی داشتند و همیشه با غلامان بر سر یک سفره غذا می خوردند و عامل برتری انسان‌ها را فقط تقوا و ایمان می دانستند و نه نژاد، زبان، دیگر تفاوت‌های ظاهری و ... بنابراین همه مسلمانان جهان باید باهم متحد باشند و زبان، طایفه، نژاد و قوم عاملی برای تفرقه آن‌ها نباشد.

۳. نتیجه‌گیری

در نیمه دوم سده دوم هجری و در پی تغییرات بنیادین تمدنی، شاهد رشد و نضج افکار انحرافی و پدید آمدن فرق و مذاهب مختلفی در جهان اسلام هستیم. این گروه‌ها در کنار ادیان و فرقی که از پیش حضور داشتند، هر یک به تبلیغ عقاید خویش می پرداختند. بنابراین امام رضا^(ع) به عنوان بزرگ‌ترین اندیشمند اسلامی و رهبر جریان فکری - مذهبی امامیه به مواجهه و موضع‌گیری در برابر اندیشه‌های التقاطی و الحادی پرداختند. گوناگونی عقاید از یک سو و تفاوت میزان خطر هر یک از آن‌ها برای اسلام راستین از دیگر سو، دو متغیر عمده در نحوه تعامل و انتخاب روش مبارزاتی از سوی امام رضا^(ع) بوده است. همچنین با توجه به روایات منقول از امام رضا^(ع) می‌توان سیر منطقی از روش‌های مواجهه ترسیم کرد. در مرحله آغازین، ثامن الحجج^(ع) از روش مناظره و گفت‌وگو برای هدایت گمراهان استفاده کردند. در این روش استناد به باورها و متون مورد قبول مخاطب و همچنین بهره‌گیری از نصوص دینی و براهین عقلی مبنا قرار گرفته است.

در مرحله دوم آسیب‌شناسی عقاید انحرافی، برداشت‌های ناروا از آیات و روایات و همچنین جعل و تحریف نشان داده تا از این طریق منشأ شکل‌گیری عقیده ناصواب نشانه گرفته شود. ابزار دیگری که استفاده آن حضرت استفاده می‌کند، تفسیر و تأویل نصوصی است که ظاهر آن‌ها باعث سوء برداشت شده است. چهارمین ابزار که

از آن به سلاح تعبیر شده است، دعا و راز و نیاز است. چنانچه هیچ‌یک از روش‌های چهارگانه اثربخش نمی‌بود، امام رضا^(ع) به‌منظور نشر نیافتن افکار التقاطی، به محاصره اجتماعی - اقتصادی روی می‌آوردند. ترک مجالست، لعن و نفرین، تکفیر و تفسیق و در نهایت برائت در این دسته جای دارند. پس باید گفت این الگوی مبارزاتی می‌تواند مبنایی برای امر به معروف و نهی از منکر و مقابله با افکار گمراه‌کننده باشد. «تقریب مذاهب و وحدت» در تفکر اسلامی، جایگاه خاصی در استمرار رسالت پیامبر اعظم^(ص) و ائمه اطهار^(ع) دارد. از این رو پژوهشی همه‌جانبه در گفتار و سیره امام رضا^(ع) که داعی مقوله تقریب مذاهب و اتحاد بود، جایگاه تقریب مذاهب و ابعاد آن را در اسلام راستین نشان می‌دهد. تقریب مذاهب از نگاه حضرت دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. حضرت توجه به احساسات و خواسته‌های برحق مردم را از جمله عوامل مادی و اجتماعی می‌دانند که زمینه‌ساز وحدت انسان‌هاست و همچنین خدا، پیامبر^(ص)، امام و رهبر، قرآن، اعیاد مشترک، قبله مشترک، مناسک حج، خمس، زکات، نماز پنج‌گانه و نفی قومیت‌گرایی را از جمله عوامل و راهکارهای وحدت مسلمین معرفی می‌کند.

از سویی با مراجعه به سیره امام رضا^(ع) به عنوان وارث میراث نبوی و ائمه اطهار^(ع) اهتمام جدی امام^(ع) به حفظ و برقراری تقریب مذاهب قابل توجه است. برای برقراری تقریب مذاهب در سیره امام رضا^(ع) بر مشترکاتی تأکید شده و تا حد امکان سعی بر آن است که از اختلاف و تشّت آرا جلوگیری شود. بر این اساس امام رضا^(ع) برای تحقق تقریب مذاهب بر اساس مبانی نورانی قرآن کریم، سنت نبوی و سیره ائمه اطهار^(ع) راهکارهایی شامل محوریت قرآن کریم، تمسک به سیره و سنت نبوی، تصحیح اخلاق جامعه اسلامی، آموزش و ارتقای سطح علمی جامعه، برابری انسانی و

استقرار اصل آزادی اندیشه، استدلال از طریق مبادی عقلی و منطقی، دوری جستن از حرکت‌های نظامی و نفی قومیت‌گرایی را مدنظر داشته‌اند.

از طرفی دیگر دوران کوتاه امامت حضرت رضا^(ع) به حق‌الگوی کامل حکومت اسلامی است که فراروی بشریت گذاشته شده است؛ حکومتی که تشنه کامی بشر در انتظار عدل و انصاف را برطرف می‌سازد. وحدت و یکپارچگی امت اسلام نزد امام از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و اهتمام آن حضرت به حفظ یکپارچگی و تقریب مذاهب بر کسی پوشیده نیست، به گونه‌ای که حضرت رضا^(ع) را بی‌گمان می‌توان بزرگ‌ترین منادی وحدت امت رسول خدا و از پیشگامان تقریب مذاهب نامید و پژواک تقریب و وحدت خواهی مسلمین را از کلام و رفتار ایشان شنید.



منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، (۱۳۸۸)، ترجمه سید محمد مهدی جعفری، تهران: موسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۲)، عیون اخبار الرضا(ع) ج ۱، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول(ع)، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- ابن طقطقی، محمد بن علی، (۱۳۶۰)، تاریخ فخری در آداب ملکداری و دولت‌های اسلامی، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، چاپ دوم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، (۱۳۷۷). مجموعه مقالات همبستگی مذاهب اسلامی: مقالات دارالتقریب، چاپ سوم، تهران: نشر سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- پیشوایی، مهدی، (۱۳۷۲)، سیره پیشوایان: نگرشی بر زندگانی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امامان معصوم علیهم السلام، قم: موسسه امام صادق(ع).
- حکیم، سیدمنذر و حسینی، سیدشهاب الدین، (۱۳۸۵)، ثامن الائمه حضرت امام رضا علیه السلام، ترجمه سیدحسین اسلامی اردکانی، قم: مجمع جهانی اهل بیت(ع).
- حموی، محمد بن اسحاق، (۱۳۶۳)، انیس المؤمنین، تهران: نشر بنیاد

بعثت.

- خضری، سید احمد رضا، (۱۳۷۸)، تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه، تهران: انتشارات سمت.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، چاپ دوم تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سیاوشی، کرم و سلیمانی فرد، ندا، (۱۳۹۴)، «تقریب مذاهب در سیره و گفتار امام رضا^(ع)»، فصلنامه مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، سال دهم، دوره جدید، شماره ۳۹، صص: ۸۴-۷۳
- طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۵)، تاریخ الرسل و الملوک، تهران: نشر اساطیر.
- عطار دی قوچانی، عزیز الله، (۱۴۰۶ق)، مسند الامام الرضا^(ع)، مشهد: المؤتمر العالمي للامام الرضا علیه السلام.
- قرشی، باقر شریف، (۱۳۸۹)، پژوهشی دقیق در زندگی امام رضا^(ع)، ترجمه سید محمد صالحی، تهران: انتشارات اسلامیة.
- کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، (۱۳۵۶)، الکافی، ج ۱ و ۴، ترجمه سید جواد مصطفوی و سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۳۶۳)، بحار الانوار، ج ۱۴، تهران: اسلامیة.
- محمدزاده، مرضیه، (۱۳۸۵)، علی بن موسی الرضا^(ع)، قم: نشر دلیل ما.

- صدر حاج سیدجوادى، احمد، (۱۳۸۵)، **دائرة المعارف تشيع**، تهران: نشر شهيد سعيد محبى.
- مرتضوى، سيد محمد، (۱۳۷۵)، **نهضت كلامى در عصر امام رضا(ع)**، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوى.
- مسعودى، ابوالحسن على بن الحسين، (۱۳۷۴)، **مروج الذهب و معادن الجواهر**، ترجمه ابوالقاسم پاينده، تهران: انتشارات علمى و فرهنگى.
- معز الدين، محمد سعيد، (۱۳۷۶)، **آواى تقريب**، تهران: مؤسسه فرهنگى انتشاراتى فقه.
- مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۳۸۰)، **الارشاد**، ترجمه محمدباقر ساعدى خراسانى، تهران: نشر اسلاميه.
- ملايرى معزى، اسماعيل، (۱۴۳۳ق)، **جامع احاديث الشيعة الذى الف تحت اشراف سيدنا و مولانا فقيه الاسلام المحقق العلامة الامام آيه الله العظمى الحاج آقا حسين الطباطبائى البروجردى**، قم: واصل لاهيجى.
- نورى طبرسى، حسين، (۱۴۰۷ق)، **مستدرک الوسائل**، تهران: انتشارات مكتبه الاسلامى.
- يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب بن واضح، (۱۳۷۱)، **تاريخ يعقوبى**، ترجمه محمدابراهيم آيتى، تهران: نشر علمى و فرهنگى.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی